

نَهجُ الْبَلَاغَةِ

لا يملك على التقوى سنخ اصل ولا ينطيا عليها زرع قوم
آنچه بر اساس تقوا پایه گذلری شود، نابود نگردهد. کشتزاری
که با تقوا آبزاری شود تشنگی ندارد.

برآیند اخلاق و تقوا الهی در نهج البلاغه

محمد کفاشان

چکیده

اخلاق، اعمال و رفتار انسانی، آن‌گاه قابل تحسین و آفرین است که مبنای ارزشی داشته باشد. این مبنا در دیدگاه‌های مختلف متفاوت است. مصادیق عملی افعال اخلاقی را اخلاق عملی می‌گویند. می‌توان تقوا را مبنای اخلاق عملی دانست. در نهج البلاغه ضرورت تقوا به اشکال مختلف در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها آمده است. در این مقاله به تحلیل نتایج و آثار عملی تقوا در زندگی اجتماعی و فردی انسان متقی پرداخته شده است که نتیجه حاصله نشستن خدا در دل متقین و خداگونه شدن فرد متقی است و جامعه‌ای که متقین در آن زندگی می‌کنند، جامعه خداگونه است. چنین جامعه‌ای در ادبیات معاصر، جامعه سالم و شهر سالم معرفی می‌شود و آن جامعه و شهری است که روابط انسانی در آنجا در ابعاد مختلف به‌طور مطلوب حکم فرماست.

کلیدواژه‌ها: تقوا، اخلاق عملی، پرهیزهای معقول، نهج البلاغه، میل نفس

مقدمه

«اخلاق عملی»، به ذکر مصادیق اخلاق نظری در حوزه عمل می‌پردازد و منظور از آن، آداب و دستوره‌های خاصی است که در مسیر تزکیه و تهذیب، التزام به آن‌ها ضرورت دارد و از طریق عمل ما را به هدف نزدیک می‌سازد. البته منظور از عمل در اینجا اعم از اعمال قلبی (مانند نیت، حب و بغض، سوء ظن، حسد، کینه، تواضع و تکبر و امثال آن‌ها) و اعمال بدنی است.^۱

اهمیت، جایگاه و اقسام اخلاق عملی

اخلاق در حیطة عمل ثمره تهذیب نفس و رسیدن به سعادت ابدی است.^۲

علاوه بر آن، آن‌چه به عمل جنبه اخلاقی می‌بخشد ارزشی بودن آن است، زیرا ممکن است فردی دارای فضایل فراوانی باشد بی‌آن‌که بتواند از نظر عملی برای فضیلت و کرامت تعریف منطقی ارائه دهد و برعکس، امکان دارد کسی اصطلاحات علمی را خوب بداند ولی از فضیلت و نورانیت بی‌بهره باشد.^۳

هدف اخلاق عملی، رسیدن به فلاح و رستگاری یعنی تهذیب نفس و روح است، به طوری که هدف رسالت حضرت ختمی مرتبت، محمد (ص) اتمام مکارم اخلاق^۴ معرفی شده است.

در کلام خدای تعالی نیز بر این معنا تأکید شده است. آن‌جا که فرمود: «هر کس از بخل و آز نفس خویش مصون ماند، چنین کسانی رستگارانند»^۵. پس همه باید برنامه تهذیب اخلاق را دنبال نمایند هر چند برخلاف میل نفس باشد، اما چاره‌ای از آن نیست. بنابراین راه اساسی برای تهذیب اخلاق، پیمودن اخلاق عملی است که پیش درآمد آن، تحصیل علم و دانایی است.^۶

از دیگر سوی، یکی از اساسی‌ترین اقدامات در زمینه تهذیب نفس، که در واقع هدف اخلاق عملی محسوب می‌شود، «تقوای الهی» است. این مقوله در کلام خدای تعالی و کلام معصومین (علیهم‌السلام) - که مفسران کلام الهی‌اند - بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. آن‌جا که در صحیفه الهی آمده است: «... واتقوا لله لعلکم تفلحون»^۷ که شرط رستگاری، رعایت تقوای الهی معرفی شده است.

اخلاق عملی به جهت گستردگی مصادیق آن، اعم از قلبی و بدنی، به انواع مختلفی قابل تقسیم است. از جمله

اخلاق فردی و اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق کاربردی و...

تقوا

از اهداف اصلی بعثت انبیا و نزول شرایع الهی این است که آدمی دارای ملکه تقوا شود. قرآن تقوا را در دو مرتبه نازل و عالی مطرح کرده است. مرتبه نازل آن فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتِطَعْتُمْ^۸ است یعنی هر کس مکلف است که در حد استطاعت خویش تقوا بورزد و پروای از خدا داشته باشد و از خوف او امری را فرو نگذارد و نهی را مرتکب نشود. مرتبه عالی تقوا همان است که فرمود: یا ایها الذین آمنوا اتقوا لله حق تقاته^۹؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید آن‌گونه که شایسته مقام خداوند است، تقوا پیشه کنید.

تقوا در لغت و اصطلاح

تقوا در لغت از مصدر «وقایه» ثلاثی مجرد از ریشه «وقی» به معنای حفظ^{۱۰} شیء از آن‌چه اذیت و ضرر می‌رساند، است. معنای اصطلاحی تقوا در کلام حضرت امیر (ع) چنین است: «همانا تقوای الهی، کلید هر در بسته و ذخیره آخرت و سبب آزادی از هر بردگی و نجات از هر هلاکتی است»^{۱۱}.

ضرورت و اهمیت تقوا در نهج البلاغه

میوه‌ای که انسان از شجره شریعت می‌چیند، میوه تقواست و این شیرین‌ترین و لذیذترین میوه‌ای است که از این درخت می‌توان برگرفت و چه شیرینی و لذتی بالاتر از کرامت در نزد خداست. کرامت آدمی نزد خداوند بستگی به مرتبه تقوای او دارد. شریف‌ترین و کریم‌ترین آدمیان نزد خداوند کسی است که بالاترین مرتبه تقوا را حائز است.^{۱۲}

تقوا از رایج‌ترین کلمات نهج‌البلاغه است. «تقوا» در نهج‌البلاغه، نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید و پرهیزهای معقول و منطقی از یک طرف سبب و مقدمه پدید آمدن این حالت روحانی است و از طرف دیگر معلول و نتیجه آن است و از لوازم آن به شمار می‌رود.^{۱۳}

در کلام امیرمؤمنان اهمیت و ضرورت تقوا عبارت است از:
۱. معیار ارزشمندی اعمال: هیچ کاری که با تقوا باشد اندک نیست^{۱۴}.
۲. بهترین بزرگواری: هیچ بزرگواری‌ای مانند تقوا نیست^{۱۵}.
۳. بالاترین عزت: هیچ عزتی گرامی‌تر از تقوا



هدف اخلاق عملی،

رسیدن به فلاح

و رستگاری یعنی

تهذیب نفس و

روح است، به طوری

که هدف رسالت

حضرت ختمی

مرتبت، محمد (ص)

اتمام مکارم اخلاق^۴

معرفی شده است

نیست^{۱۶}. ۴. سرآمد بودن: تقوا در رأس همه ارزش‌های اخلاقی است^{۱۷}. ۵. وسیله مطمئن بودن: مرکب سعادت است^{۱۸}. ۶. کلید هدایت: «آگاه باشید، همانا تقوا همانند مرکب‌های فرمان‌برداری است که سواران خود را عنان بر دست دارد و وارد بهشت جاویدان می‌کند»^{۱۹}. ۷. عامل تندرستی: «آگاه باشید که همانا عامل تندرستی، تقوای دل است^{۲۰}». ۸. ضرورت تکلیف: «ای مردم از خدا بترسید، هیچ کس بیهوده آفریده نشده است تا به بازی بپردازد و او را به حال خود وانگذاشته‌اند تا خود را سرگرم کارهای بی‌ارزش نماید»^{۲۱}.

آثار تقوا از منظر نهج‌البلاغه

۱. دوی قلب^{۲۲}. ۲. عامل زنده ماندن قلب^{۲۳}. ۳. تعالی بخش روح^{۲۴}. ۴. برطرف کننده غفلت در دنیا^{۲۵}. ۵. زائل کننده گناه^{۲۶}. ۶. عامل حفظ زبان^{۲۷}. ۷. جلوگیری از ارتکاب معاصی^{۲۸}. ۸. عامل مطیع کردن نفس^{۲۹}. ۹. برطرف کننده کینه و خصومت^{۳۰}. ۱۰. راه روشن به سوی بهشت^{۳۱}. ۱۱. رعایت کننده امانت^{۳۲}

وصایای حضرت علی (ع)

از جمله در موارد زیر:

۱. یادآوری نعم الهی^{۳۳}. ۲. مثل‌های پندآموز^{۳۴}. ۳. اتمام حجت^{۳۵}. ۴. یاد مرگ^{۳۶}. ۵. تحریک برای عمل^{۳۷}. ۶. طالب دنیا نبودن^{۳۸}. ۷. بهترین توشه آخرت^{۳۹}

سیمای پرهیزگاران در نهج‌البلاغه

حضرت علی (ع) در خطبه «همام» خطاب به او

تقوا از رایج‌ترین کلمات نهج‌البلاغه است. «تقوا» در نهج‌البلاغه، نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید و پرهیزهای معقول و منطقی از یک طرف سبب و مقدمه پدید آمدن این حالت روحانی است و از طرف دیگر معلول و نتیجه آن است و از لوازم آن به شمار می‌رود



نهج‌البلاغه

ویژگی‌های پرهیزگاران را این‌گونه برمی‌شمرد: ۱. تهجد در شب و روزه‌داری در روز^{۴۰}. ۲. بهره‌مندی از هر دو سرا^{۴۱}. ۳. مداومت بر ذکر و یاد خدا^{۴۲}. ۴. اهل فضایل بودن^{۴۳}. ۵. در خوف و رجاء بودن^{۴۴}. ۶. رفتار صحیح در دنیا^{۴۵}. ۷. نرمی در رفتار^{۴۶}. ۸. اهل صبر بودن^{۴۷}. ۹. همت والا داشتن^{۴۸}. ۱۰. حساب‌رس خویش بودن^{۴۹}. ۱۱. اهل اخلاص بودن^{۵۰}. ۱۲. اهل مناعت بودن^{۵۱}. ۱۳. حریص در علم بودن^{۵۲}. ۱۴. اهل پارسایی بودن^{۵۳}.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نشستن خدا در دل عبد و محبت ورزیدن وی نسبت به معبود، عشق به غیر او راه، که سرچشمه همه رذائل است خواهد زدود، و این محبت ورزیدن است که سرچشمه همه فضایل است، نه صرف دانستن و حکیم شدن و این هم بیشتر از طریق مؤانست با اولیای خدا حاصل می‌شود. عشق به خدا جا را بر چیزهای دیگر تنگ خواهد کرد. به عکس کسی که دلش از حب دنیا پر باشد و قبله‌اش، خدایش و معبودش دنیا باشد. چنین کسی جایی برای حضور خود در پیشگاه الهی نگذاشته است. نشستن خداوند در دل عبد و کوچک شدن همه چیز در چشم او اصلی‌ترین صفتی است که اگر برای هر انسانی پیدا شود، اوصاف نیک دیگر به‌نحو طبیعی از او خواهد جوشید. یکی از مواردی که بستر ساز این امر است، تقوای الهی است. تقوای الهی شرایط را برای برطرف کردن همه رذائل و جای‌گزین نمودن فضائل در درون انسان مهیا می‌سازد و این اولین گام خدایی شدن و نشستن خداوند در دل انسان است که به دنبال آن همه نیکی‌های دیگر ایجاد خواهد شد.

پی نوشت

۱. مغنیه، محمدجواد، فلسفه اخلاق در اسلام، مترجم: صافی، عبدالحسین، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۹۰
۲. نراقی، احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات رشیدی، بی تا، ص ۱۹.
۳. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۱۷
۴. مجلسی، سیدمحمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴، ج ۶۷، ص ۳۷۲ باب ۵۹
۵. الحشر، بخش پایانی آیه ۹
۶. دستغیب، سیدعبدالحسین، اخلاق اسلامی «به انضمام یادواره شهید محراب»، شیراز، کانون تربیت، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۷ تا ۷.
۷. تغابن/ ۱۶
۸. آل عمران/ ۱۰۲
۹. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصار، چاپ سوم، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۴۰۱
۱۰. خطبه/ ۲۳۰
۱۱. حجات/ ۱۳
۱۲. www.Helal.ir
۱۳. حکمت/ ۹۵
۱۴. حکمت/ ۱۱۳
۱۵. حکمت/ ۳۷۱
۱۶. حکمت/ ۴۱۰
۱۷. حکمت/ ۱۹۰ و خطبه/ ۱۱۴ و خطبه/ ۱۹۸
۱۸. خطبه/ ۱۶
۱۹. حکمت/ ۳۸۸
۲۰. حکمت/ ۳۷۰
۲۱. خطبه ۱۹۸
۲۲. حکمت/ ۳۴۹
۲۳. خطبه/ ۱۸۳
۲۴. حکمت/ ۳۹۳
۲۵. خطبه/ ۱۹۱
۲۶. خطبه/ ۱۷۶
۲۷. خطبه/ ۱۱۴
۲۸. خطبه/ ۱۹۸
۲۹. حکمت/ ۲۹۸
۳۰. خطبه/ ۱۹۱ و حکمت ۴
۳۱. حکمت/ ۴۵۸

نشستن خداوند در

دل عابد و کوچک

شدن همه چیز در

چشم او اصلی ترین

صفتی است که اگر

برای هر انسانی پیدا

شود، اوصاف نیک

دیگر به نحو طبیعی

از او خواهد جوشید



نهج البلاغه

۳۲. خطبه/ ۱۹۱ - ۱۸۸
۳۳. خطبه/ ۸۳
۳۴. همان
۳۵. خطبه/ ۸۳
۳۶. خطبه/ ۱۷۶
۳۷. نامه/ ۴۷
۳۸. حکمت/ ۱۳۰ و نامه ۳۱
۳۹. خطبه ۱۱۴
۴۰. نامه ۲۷
۴۱. خطبه ۱۹۳
۴۲. همان
۴۳. خطبه ۱۶۰
۴۴. نامه ۲۷
۴۵. خطبه ۱۹۳
۴۶. همان
۴۷. خطبه ۹۱
۴۸. خطبه ۱۹۳
۴۹. خطبه ۸۷
۵۰. خطبه ۱۹۳
۵۱. همان
۵۲. همان

منابع

۱. قرآن کریم، انتشارات حر، چاپ اول، ایران، تهران، سال ۱۳۷۶
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصار، چاپ سوم، ۱۴۱۴، ج ۱۵، کل صفحات ۴۵۵
۳. دستغیب، سیدعبدالحسین، اخلاق اسلامی «به انضمام یادواره شهید محراب»، شیراز، کانون تربیت، چاپ اول، ۱۳۶۱، کل صفحات ۲۶۵
۴. مجلسی، سیدمحمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴، ج ۷، چاپ چهارم، کل صفحات
۵. مغنیه، محمدجواد، فلسفه اخلاق در اسلام، مترجم: صافی، عبدالحسین، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، کل صفحات ۲۶۸
۶. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳، تهران، کل صفحات ۷۱۵
۷. نراقی، احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات رشیدی، بی تا، چاپ دوم، بهمن ۱۳۶۱، کل صفحات ۷۰۶

8. www. Helal.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی جامع علوم انسانی